



تحولات نظامی جدید در سوریه

امین پرتو*

اشاره:

تحلیل دقیق تحولات نظامی رخ داده در سوریه برای تحلیل وضعیت سیاسی و آینده تحولات کنونی مورد نیاز است؛ تحولات نظامی که به سرعت رخ می‌دهند و ضبط و بیان دقیق آن خالی از دشواری نیست. هر یک از طرفین درگیری که در برخی جبهه‌ها به پیروزی دست می‌یابد در جبهه‌های دیگر متحمل شکست می‌گردد؛ این چرخه تکراری در سوریه تا مدت زمان نامشخصی در آینده ادامه خواهد یافت.

مقدمه

جایی از خاک سوریه نیست که در آن نبرد میان طرفین مختلف درگیری در جریان نباشد؛ هر یک از طرفین به صورت همزمان مشغول نبرد با همه طرف‌های دیگر هستند. نیروهای اسد، هم با مخالفان موسوم به میانه‌رو و جبهه نصرت (که با اعلام جدایی از القاعده نام خود را به جبهه فتح‌الشام تغییر داده است) و هم با داعش مشغول نبرد هستند؛ در حلب با کردها همکاری می‌کنند اما در قامشلی و حسکه هر از گاهی مورد حمله آنها قرار می‌گیرند یا به آنها حمله می‌کنند. شاخه‌های ارتش آزاد علاوه بر درگیری با نیروهای اسد با داعش و کردها مشغول نبرد هستند و البته با فتح‌الشام و متحدانش هم روابطی گاه پرتنش دارند. سایر گروه‌های افراط‌گرای مخالف اسد همچون جیش الاسلام و فیلق‌الرحمان هم، چنین هستند؛ درگیری‌های داخلی با یکدیگر معضل اصلی این گروه‌ها بوده است. در این نبرد همه با همه، آنچه نقش تعیین‌کننده دارد، قدرت نظامی است؛ داشتن نفرت بیشتر،

سلاح‌های مؤثرتر و البته حمایت خارجی؛ با این حال هیچ یک از طرفین نه در قدرت نظامی، برتری مطلق دارد و نه امکان دستیابی به آن را در آینده خواهد داشت. پیروزی برای ارتش اسد به سبب فرسودگی نیروی انسانی، از دست دادن حجم عظیمی از تجهیزات و پراکندگی جبهه‌های نبرد، با موانع بسیار همراه است و توفیق آن در حال حاضر در مهار توسعه‌طلبی مخالفان، خود را نشان داده است. در این میان ارتش خود را مهیای نبردهای فرسایشی از طریق استراتژی محاصره شهرها و مناطق مخالفان کرده است تا در بلندمدت، با کاهش ذخایر تسلیحاتی و انسانی مخالفان و نیز فشار بر مردم محلی، آنان چاره‌ای جز تسلیم یا تخلیه مناطق تحت کنترل خود نداشته باشند. این روش در حمص و مناطق حومه دمشق به نتیجه رسید و اسد انتظار آن را دارد که در خصوص غوطه غربی و شرقی، قلمون، حومه شمالی حمص و شاید هم حلب به نتیجه برسد. مخالفان اسد اما ناامید نیستند؛ آنان جوانان محلی را آموزش داده و مسلح می‌کنند، ضمن آنکه تسلیحات مورد نیاز نیز به صورت منظم از خارج به دست آنها می‌رسد؛ البته این به جز تسلیحاتی است که هر بار با پیروزی‌های خود بر نیروهای اسد به غنیمت می‌گیرند. آنان آموخته‌اند که چگونه با جابه‌جایی نیروهای خود و جنگ پراکنده، قدرت آتش هوایی و زمینی اسد را کم‌اثر کنند و به مناطقی که نیروهای اسد حضور کمتری دارند، یورش غافلگیرکننده ببرند. آنان شکست در شمال حلب را با پیروزی در جنوب این شهر جایگزین کردند؛ با ضدحملات خود در لاذقیه،



ارتش اسد را به تنگنا افکندند و در حومه شمالی حمص، مناطقی را به تصرف در آوردند. با این حال آنان همچنان هم میان خود و هم میان حامیانشان، ناهماهنگ عمل می‌کنند و در شرایطی که فشار عظیمی در جبهه‌های شمالی متحمل شده‌اند، جبهه‌های جنوبی (درعا- قنیطره- سویدا) در سکوت مطلق قرار دارد.

نیروهای ارتش آزاد و گروه‌های افراط‌گرای دیگر، عملیات قابل توجهی علیه نیروهای اسد صورت نداده‌اند. در این میان داعش با زوال تدریجی و محتوم خود روبه‌رو است؛ منبج را به‌رغم مقاومت دو ماهه از دست داده است؛ شکست‌ها در عراق، از دست دادن منابع مالی و تسلیحاتی در کنار فراری‌شدن و کناره‌گیری نیروهایش، وضعیت این گروه تکفیری را بغرنج ساخته است. با این حال داعش با حملات ناگهانی و برق‌آسا که اغلب هم منتهی به شکست می‌شوند (در دیرالزور، حمص، تدمر، سویدا و بادیه الشام) وانمود می‌کند که هنوز نیرومند است. کردها نیز به عنوان طرف دیگر نبرد در سوریه، با فرصت‌طلبی می‌کوشند تا قدرت و مناطق تحت تسلط خود را افزایش دهند. آنها در محور عفرین، آماده ادامه نبرد با ارتش آزاد برای تسلط بر اعزاز و مارع هستند؛ همچون تل رفعت و منغ که از تسلط آنان خارج کردند. آنان امید دارند با تسلط بر نواحی هم مرز با ترکیه، عفرین را به سایر نواحی کردنشین متصل کنند. کردها در شمال حلب با نیروهای اسد همکاری می‌کنند اما در قامشلی و حسکه هم هر از گاهی با نیروهای دولتی درگیر می‌شوند؛ آشکار است که آنان آماده‌اند به وقت مناسب، نیروهای اسد را از مناطق مزبور اخراج کنند اما نیروهای دولتی نیز اخیراً اقدام به بمباران آنها در حسکه کرده است.

جنگ حلب

حلب بزرگ‌ترین شهر سوریه، از زمان شروع جنگ داخلی به سه منطقه تقسیم شده است: منطقه شرقی در دست مخالفان اسد، منطقه غربی در دست نیروهای دولتی و محله شیخ مقصود در شمال شهر که در کنترل کردها است. منطقه مخالفان از شمال و از طریق جاده کاستلو، به خارج راه داشت و خاروبار و ملزومات مورد نیاز را دریافت می‌کرد و منطقه نیروهای دولتی از جنوب و جاده راموسه به خارج متصل بود. ارتش سوریه، با تهاجمی که از دو ماه پیش آغاز کرد، کوشید تا جاده کاستلو را ببندد و بخش شرقی شهر را محاصره کند. حملات چندباره ارتش اسد هر چند در مراحل اولیه با تلفات سنگین انسانی و تجهیزاتی همراه بود اما در نهایت منتهی به

قطع جاده کاستیلو شد. در ادامه و با همراهی کردها از محور شیخ مقصود، بخش شرقی شهر کاملاً به محاصره در آمد. محاصره شدن بخش شرقی، به‌رغم تأکید اسد و نیز دولت روسیه مبنی بر اینکه مواد غذایی به شهر منتقل خواهد شد، مخالفت جدی بسیاری از کشورها به ویژه قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا، فرانسه و بریتانیا را برانگیخت به گونه‌ای که این مسئله حتی به شورای امنیت کشانده شد. مخالفان در مقابل برای شکستن محاصره، از دو محور دست به عملیات زدند: اتحاد موسوم به اتاق فتح حلب از محور شمال و اتحاد موسوم به جیش الفتح (جبهه اسلامی و در رأس آن احرارالشام با همراهی جبهه فتح‌الشام- نصرت سابق- و متحدانش) از محور جنوب، علیه نیروهای اسد وارد عمل شدند. عملیات محور جنوبی، به‌رغم مقاومت ارتش و تلفات سنگین سرانجام به شکست‌شدن محاصره بخش شرقی حلب، منتهی شد. با این حال ارتش سوریه جاده راموسه در جنوب را زیر آتش خود گرفته است؛ البته محور کاستلو هم کاملاً امن نیست و در معرض خطر قرار دارد.

اگرچه نبرد در حلب همچنان ادامه دارد، اما آنچه که از مشاهده گزارش‌های تصویری، در این نبرد چشمگیر بود، کاربرد گسترده تانک و خودروهای زرهی، قدرت آتش راکتی و توپخانه‌ای قابل توجه و استفاده گسترده از خودروهای انتحاری توسط معارضان بود. پیروزی آنها، به‌رغم بمباران شدید مواضع آنها توسط نیروی هوایی روسیه (که مطابق با یکی از گزارش‌ها به ۱۲۰ مورد حمله هوایی در یک روز رسید)، از برنامه‌ریزی دقیق و تدارک گسترده آنان برای این نبرد حکایت داشت.



بهره جسته و حملات سنگین و موفقی در محور لاذقیه انجام دادند. با این حال ارتش سوریه دست به ضد حمله موفقی زد؛ کنسبا و تمام مناطق از دست رفته (به جز یک روستا) را از شورشیان بازپس گرفت و با مشارکت متحدان خود، حملاتی برای تصرف شهر کبانی در شرق لاذقیه را آغاز کرد که هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

دمشق؛ غوطه شرقی و غربی، قلمون غربی و شرقی

پیرامون دمشق هم نبردهای گسترده‌ای در جریان است. در غوطه غربی، شهرک داریا همچنان بعد از ۵ سال، از تسلیم شدن خودداری و در برابر نیروهای دولتی مقاومت می‌کند. با اینکه فشار نیروهای دولتی، مخالفان سنگر گرفته در این شهر را به تنگنا افکنده، اما بعید به نظر می‌رسد که عملیات در داریا در آینده نزدیک به وقوع بپیوندد. در قلمون غربی، نیروهای اسد که زبدانی و مضایا را در محاصره دارند و به آتش‌بس وادار کرده‌اند، موفق به تصرف شهرک هریره شدند. سقوط هریره، ترس از سقوط سایر روستاها و شهرک‌های قلمون غربی را در میان معارضان، پدید آورده است. تصرف هریره به تلافی اعدام نه سرباز ارتش سوریه توسط جبهه نصرت بود که ماه قبل در حمله‌ای غافلگیرکننده به قلمون غربی اسیر شده بودند. اگرچه شورشیان در قلمون غربی، حضور گسترده‌ای دارند اما چون در محاصره بوده و مهار شده‌اند، در حال حاضر اولویتی برای ریشه کن کردن آنها وجود ندارد.

در حال حاضر ارتش سوریه کوشش برای ترمیم محاصره را آغاز کرده است: ارسال نیروهای کمکی؛ در کنار حملات سنگین هوایی روسیه که اکنون آشکار کرده اعلام خروج از سوریه در چند ماه قبل، فقط یک نمایش بوده است. با وجود این، نیروی نظامی مخالفان به سبب قدرت آتش و تجهیزات پیشرفته، پراکندگی گسترده جبهه‌های نبرد و تلفات انسانی و لجستیک سنگین که بر ارتش وارد می‌کنند، ترمیم محاصره را کند کرده است.

لاذقیه

در محور لاذقیه، شورشیان پیش از شروع نبرد حلب، دست به ضدحمله وسیعی علیه نیروهای دولتی زدند. حاصل این ضدحمله، سقوط شهر کنسبا و مناطق پیرامون آن و تلفات سنگین نیروهای دولتی بود. به نظر می‌آید شورشیان از عملیات نیروهای دولتی در محور حلب و تمرکز آنان بر آن نبرد،



جدید و به غنیمت گرفتن اسلحه و ملزومات از نیروهای اسد، اهداف دیگر عملیات در این محورها بوده است. در حومه شمالی حمص، مخالفان بعد از تسلط بر شهرک علوی نشین زاره در ماه مه، برای تصرف نیروگاه برق و مناطق مجاور آن دست به عملیات زدند. گروه موسوم به جند بدر با همراهی احرار الشام و فیلق حمص، عملیات موسوم به «الیوم یومک یا حلب» (امروز، روز توست ای حلب) را برای کاستن فشار بر حلب انجام دادند که حاصل آن تسلط بر ایست و بازرسی موسوم به حاجز مداجن بود. اگرچه دستاوردهای این عملیات اندک بود، ولی آشکار است که مخالفان در این منطقه توانسته‌اند توان نظامی خود را بازسازی کنند و دست کم با دفع حملات ارتش در منطقه حرنفسه و زاره، نشان دادند که به راحتی تسلیم نخواهند شد. با این حال اوضاع جبهه در جنوب حما آرام‌تر است. شورشیان به صورت محدود خودروهای زرهی یا پست‌های دیده‌بانی مسلح ارتش سوریه را با موشک ضدتانک هدف قرار می‌دهند و نیروهای دولتی هم گاه عملیات زمینی کوچک با بمباران هوایی شدید

در غوطه شرقی و قلمون شرقی، درگیری‌ها شدیدتر و جدی‌تر است. ارتش سوریه توانست به راحتی مدایا، البحاریه، حوش الفرح، حوش نصری و مناطقی در عمق غوطه شرقی را تصرف کند؛ دوما، به عنوان قلب مخالفان نیز در غوطه شرقی در خطر است. در صورتی که اختلافات داخلی میان نیروهای مخالف، پابرجا باشد و از خارج غوطه، به آنها کمک نرسد، شکست و نابودیشان حتمی خواهد بود. درگیری میان فیلق الرحمان و جیش الاسلام همراه با فتح الشام (جبهه نصرت سابق) در حالی ادامه دارد که ارتش سوریه تا عمق غوطه، به پیش رفته است. با این حال جیش الاسلام تلاش کرده با اجرای سه مرحله از عملیات موسوم به ذات الرقاع، چاره‌ای برای خطر سقوط غوطه شرقی بیاندیشد. هدف این عملیات، فشار آوردن بر جبهه‌های فرعی غوطه شرقی (محور فرودگاه مرج السلطان) و نیز کوشش برای اتصال قلمون شرقی به غوطه است. در این میان حمله به روستای ابوالشامات که در مسیر اتوبان بغداد- دمشق قرار دارد و کوشش برای اتصال آن به الضمیر و سپس غوطه شرقی، نیز در برنامه قرار گرفته است که البته طرحی بسیار بلندپروازانه به نظر می‌رسد. مشکل مخالفان اسد در غوطه شرقی و قلمون شرقی (همچون بخش غربی)، دست‌نیافتن به تسلیحات مورد نیاز و اتمام ذخایر تسلیحاتی است؛ به ویژه تسلیحاتی که بتواند مانع پیشروی ارتش سوریه شود؛ یعنی موشک‌های ضدتانکی که نیروهای زرهی اسد را متوقف کند.

حمص و حما

مخالفان اسد تلاش کرده‌اند در جبهه‌های دیگر، دست به عملیات بزنند تا فشار از روی جبهه حلب کاسته شود. به علاوه تصرف مناطق



سنگین در بیرون حلقه محاصره برای کاستن از فشار. این روش در مورد منبج هم (همچون موارد قبلی) نتیجه‌ای دربر نداشت؛ گرچه مقاومت طولانی داعش و زمان خریدن برای این گروه، با توافقی در پشت پرده همراه شد: داعش با گروگان گرفتن ۲۰۰۰ نفر از ساکنین منبج و با توافقی پنهانی با کردها، باقی مانده نیروهایش را از منبج به جرابلس در شمال منتقل کرد؛ گفته می‌شود ترکیه در این توافق وساطت کرده است. اقدامات داعش، خشم گسترده ارتش آزاد و فتح‌الشام را برانگیخته است. داعش در همان زمان که مشغول نبرد با کردها بود، به جای آنکه نیروهایش را برای نبرد با کردها متمرکز کند تا حدود شهرک عریمه عقب نشست و در عوض به خطوط ارتش آزاد در محور اعزاز-مارع فشار وارد کرد. ارتش آزاد در این منطقه بارها و بارها جز دست به دست کردن شهرهایی مانند دودیان و راعی با داعش، کار چندانی پیش نبرده است. این در حالی بود که برخی عناصر ارتش آزاد، مخفیانه از عناصر محلی داعش خواسته بودند که اکنون که کار داعش روبه پایان است و کردها در حال تصرف سرزمین‌های اعراب هستند و با توجه به فشار ارتش اسد در محور حلب، از داعش جدا شده یا برخی مناطق حساس را به این گروه‌ها واگذار کنند یا دست کم از حمله به این گروه‌ها دست بردارند. البته داعش نه فقط هیچ پاسخی به این خواسته نداد بلکه با شدت دادن حملاتش، مخالفان اسد را در شمال حلب در تنگنای بیشتری قرار داد. در مقابل، کردها آماده هستند تا خیز بعدی را بردارند: به شمال، به سمت جرابلس برای پاکسازی مرز با ترکیه یا به غرب به سوی الباب برای رسیدن به حومه حلب پیشروی کنند. این پیشروی قطعاً با مقاومت اعراب مواجه خواهد شد. شایع شده است گروهی موسوم به «المقاومه العربیه ضد حزب الاتحاد الدیمقراطی الکردستانی» در شهر اوفار ترکیه و با حمایت سعودی و از میان عشایر قبیله الجبور تشکیل شده است. این گروه که هدف خود را مقاومت در برابر اشغال کردها معرفی کرده، به سبب تعداد کم نیروهایش (حدود ۱۵۰ نفر) توان حضور مستقیم در سوریه ندارد اما دست به عملیات ترور علیه نیروهای کرد زده است. این نیروها وابسته به جریان موسوم به مجلس العشائر العربیه هستند.

حملات داعش؛ دیرالزور، حمص، تدمر، سویدا و بادیه‌الشام

به‌رغم تلفات شدید گروه تکفیری داعش در دو سال گذشته (منابع رسمی آمریکایی گفته‌اند ۴۵ هزار عضو داعش کشته شده‌اند و بسیاری از نیروهای محلی آن کناره گرفته یا متواری شده‌اند) و با

برای تسلط بر برخی مناطق را پیش می‌برند. گروه جیش‌النصر، شاخه‌ای از ارتش آزاد برای قطع مسیر اثریا-خناصر که از استان حما به حلب می‌رسد و مسیر زمینی ارسال تدارکات برای نبرد حلب است، دست به عملیات زد که توفیقی نداشت. سایر گروه‌های مخالف هم به‌رغم نزدیکی به این مسیر، دست به اقدامی نزده‌اند.

نبرد منبج

سرانجام بعد از گذشت بیش از دو ماه، شهر منبج در شمال سوریه، توسط نیروهای موسوم به «نیروهای دموکراتیک سوریه» از وجود داعش پاکسازی شد. در این عملیات گرچه نیروهای عرب سوری هم شرکت داشتند، اما بخش عمده نیروها را کردها (ی.پ.گ) تشکیل می‌داند و نیروهای ویژه آمریکایی هم (حدود یک گردان) در آن شرکت داشتند. نیروهای ویژه فرانسوی، بریتانیایی و کانادایی (و احتمالاً نروژی و آلمانی) هم در این عملیات حاضر بودند. واحدهای زمینی آمریکا در نبرد منبج سه کشته و ۱۶ زخمی دادند. حمایت هوایی گسترده آمریکا از نیروهای کرد، در پیروزی آنان نقش بسیار مهمی داشت. این عملیات هوایی، با تلفات سنگین غیرنظامیان (دست کم ۴۳۸ غیرنظامی) همراه بود که در فاجعه‌بارترین حمله در روستای تُخار در حومه منبج، بین ۵۶ تا ۲۱۲ غیرنظامی کشته شدند. گفته می‌شود نیروی هوایی فرانسه به بهانه گرفتن انتقام از داعش به سبب عملیات تروریستی در نیس، دست به این عملیات زده بود. داعش در این نبرد هم روش مشابهی با نبردهای پیشین خود در عراق، سوریه و لیبی (در فلوجه، رمادی، قریتین، تدمر و سرت) به کار برد: عقب‌نشینی به داخل شهر و استفاده از سپر انسانی غیرنظامیان در کنار حملات



همچون «اولویه فرقان» (که مجری عملیات «لییک یا درعا» بود) یا گروه کوچک «ناصر صلاح‌الدین» (که عملیاتش در «تل بزاق» درعا شکست خورد) نتوانسته‌اند تحرک و شوقی در دیگر گروه‌ها برای شروع عملیات در جبهه جنوبی برانگیزند.

نتیجه‌گیری

سوریه با مخالفانی مواجه است که پرشمار، تاب‌ناک و دندان‌مسلح و از حمایت سخاوتمندانه خارجی برخوردار هستند. مسئله‌ای که پیروزی ارتش سوریه و بازگشت آرامش به سوریه را دور از دسترس کرده است. با این حال تعریف اسد و حامیانش از پیروزی، مسئله‌ای پیچیده است. اگر برای آنها پیروزی اسد در معنای اعاده وضعیت به همان شکل که قبل از سال ۲۰۱۱ بود معنا دهد، باید گفت بخت اندکی برای اعاده چنان نظم و وجود دارد زیرا سرکوب و ریشه‌کنی معارضان، تکفیری‌ها و شورشیان با این حمایت همه‌جانبه که از خارج دریافت می‌کنند، بسیار نامحتمل است. با این حال واقعیت این است که اسد با تمام سختی‌ها و موانع، تا کنون دوام آورده است و توانسته است در صحنه میدان، تأثیرگذار باشد؛ به گونه‌ای که حذف اسد به عنوان گزینه‌ای که مخالفان و کشورهای خارجی در ابتدا آن را حتمی می‌دانستند، به همان اندازه بازگشت آرامش به سوریه، دور از دسترس شده است. در حال حاضر و در غیاب هرگونه مذاکره و امکانی برای سازش، جنگ تنها راه باقی‌مانده برای تعیین آینده سوریه است.

وجود شدت صدمات لجستیک واردشده به آن (عملیات راهکار ذاتی آمریکا تا سه ماه پیش ۱۴۳ تانک، ۳۸۲ خودروی هاموی، ۶۵۴۵ ساختمان، ۷۸۲۴ موضع خطوط مقدم، ۸۲۳۳ مورد تأسیسات نفتی و ۸۲۳۳ هدف‌های دیگر داعش را نابود کرده است)، داعش همچنان توانسته دست به عملیات‌های قابل توجهی نیز بزند: در دیرالزور، حملات همه‌روزه داعش علیه ارتش سوریه ادامه یافته است؛ در حمص و تدمر، حملات به حاشیه پایگاه‌های نظامی و میادین گازی ادامه دارد؛ داعش در یک مورد کوشید با ضدحمله‌ای غافلگیرکننده، قریتین را دوباره تصرف کند که به عقب رانده شد؛ در شرق حما، تهدیداتی را متوجه شهر سلمیه کرد؛ در سویدا، برخی از ارتفاعات راهبردی در شمال شرقی سویدا را تصرف کرد اما با شکست همراه شد؛ در بادیه‌الشام، حمله «ارتش جدید سوریه» به ابو کمال را دفع کرد و شکستی مفتضحانه به این گروه مورد حمایت آمریکا وارد ساخت؛ در محور حلب، مجدداً کوشید تا مسیر اثری-خناصر را قطع کند؛ در درعا، حملات شدیدی به مواضع ارتش آزاد صورت داد؛ در قلمون غربی و مرز با لبنان، تلفات قابل توجهی به عناصر فتح‌الشام (جبهه نصرت) وارد کرد و در کنار همه اینها، عملیات تروریستی خود در مناطق تحت سلطه دشمنانش را از طریق سلول‌های مخفی‌اش انجام داد اگرچه در ادلب، هسته‌ای بزرگ از داعش، که بارها سران ارتش آزاد و فتح‌الشام را ترور می‌کرد، دستگیر و منهدم شد. در حسکه و قامشلی عملیات بمب‌گذاری اتفاق افتاد. در درعا ترور سران ارتش آزاد انجام و در ادلب یک اتوبوس حامل ۲۵ عضو ارتش آزاد منهدم شد.

جبهه جنوب: درعا، سویدا و قنیطره

جبهه جنوبی در وضعیت ثبات و آرامش نسبی قرار دارد. جز چند درگیری کوتاه‌مدت، نبرد عمده‌ای در محورهای جنوبی وجود ندارد. عملیات موسوم به «لییک یا داریا» که برای کاستن از فشار بر جبهه دمشق انجام شد، بدون رسیدن به نتیجه خاتمه یافت. دقیقاً مشخص نیست در اتاق عملیات جنوب که در اردن مستقر است، چه تحولاتی در جریان است. درگیری درونی در گروه «شباب اهل‌السنه» به سبب اختلاف بر سر حمله به داعش، منتهی به فرار رهبر گروه و روی کار آمدن جریان‌های هوادار فتح‌الشام شد. در این میان روشن نیست که گروه‌های ارتش آزاد، جبهه اسلامی و فتح‌الشام در جنوب سوریه دست به چه اقدامی خواهند زد؟ گروه‌هایی

